

تجمع کارگران یدکی موتور مقابل این کارخانه



جمعی از کارگران کارخانه یدکی موتور واقع در شهرک صنعتی کاوه در استان مرکزی در اعتراض به حداقل حقوق دریافتی خود روز دوشنبه (۱۹ دی ماه) مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند: نزدیک به ۷۰۰ کارگر در کارخانه یدکی موتور با سوابق مختلف مشغول کار هستند که از میزان دریافتی دستمزد خود رضایت ندارند. آنها می‌گویند: در طول سال‌های گذشته هم برای افزایش حقوق تلاش کردیم. طرح طبقه‌بندی مشاغل که از چندین سال پیش در این کارخانه اجرا شده نیاز به بازنگری دارد. به گفته کارگران، در حال حاضر طرح طبقه‌بندی مشاغل برای کارگران دیگر کارایی ندارد. بنابراین تقاضای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل مهم‌ترین خواسته کارگران است.

کارگران یدکی موتور می‌گویند: بخش دیگری از مشکلات ما تغییر عناوین شغلی و قراردادهاست. به گفته کارگران، از ابتدای زمستان قراردادها یک‌ماهه شده و امنیت شغلی کارگران به خطر افتاده است. بخش دیگری از نگرانی کارگران نیز ناشی از تغییر عناوین شغلی سخت و زیان‌آور است که این تغییرات در زمان بازنشتگی پیش از موعد کارگران رادچار مشکل می‌کند.

امیدواری کارگران فضای سبز نفت آغاچاری به تغییر وضعیت شغلی



کارگران پیمانکاری فضای سبز نفت آغاچاری از امیدواری برای بهبود وضعیت کاری خود به دنبال جلسه با رئیس واحد استخدامی وزارت نفت خبر دادند.

به گزارش ایلنا، این کارگران که صبح دیروز در انتقاد به وضعیت بلا تکلیف شغلی خود از شهرستان امیدیه استان خوزستان راهی تهران شده و به ساختمان وزارت نفت مراجعه کرده بودند، امیدوارند با وعده‌های مطمئن داده شده از سوی مسئولان واحد استخدامی وزارت نفت وضعیت شغلی آنها بهبود یابد.

طبق این گزارش، دو نفر از مسئولان واحد استخدامی وزارت نفت در دیدار با نمایندگان کارگری فضای سبز نفت آغاچاری، به مشکلات و خواسته‌های کارگران گوش داده و قرار شده وضعیت شغلی کارگران جایگزین فضای سبز شرکت نفت آغاچاری که تاکنون به صورت شرکتی، حجمی و قرارداد موقت کار کرده و هم‌اکنون با خروج پیمانکار وضعیت شغلی مشخصی ندارند، به صورت ویژه پیگیری شود.

این کارگران گفتند: واحد استخدامی وزارت نفت در تهران نامه‌ای به واحد ساختار شرکت نفت اهواز ارسال کرده که به سرعت‌ترین روش کارگران را در چارت‌های خالی استخدامی جایگزین کنند.

کارگر معدن زغال سنگ طبس، قربانی حادثه کار شد

حادثه برخورد واگن در کارگاه شرکت معدنی «کانیاب گلشن» در منطقه معدنی پرورده طبس موجب مرگ یک کارگر به نام «ابوالفضل گردشی» حدود ۳۱ ساله شد. به گزارش ایلنا، این حادثه صبح روز یکشنبه (۱۸ دی ماه) در حالی رخ داد که یک واگن در یکی از مسیرهای معدن زغال سنگ پرورده با مرحوم گردشی، معدنکار واحد پیشروی شرکت کانیاب گلشن برخورد می‌کند.

تیم‌های امدادی پس از اطلاع از این سانحه بلافاصله به محل اعزام شدند و کارگر مصدوم را به بیمارستان طبس انتقال دادند اما وی به دلیل شدت جراحات وارده جان باخت.

رضا اسدآبادی

چهارشنبه هفته گذشته، وزارت کار میزبان جلسه‌ای مشترک میان وزرای کار، بهداشت و رئیس سازمان برنامه و بودجه با موضوع «تامین منابع درمان رایگان در مناطق روستایی کمتر برخوردار» بود. در این جلسه که در آن قرار بود مباحثی درباره خط فقر و معیشت به خصوص در مناطق روستایی و محروم کشور نیز مطرح شود، به درخواست وزیر بهداشت جلسه از خبرنگاران خالی شد با این حال آخرین گزارش وزارت کار در رابطه با خط فقر نشان داد که خط فقر مدنظر دولت با آنچه از سوی کارشناسان اقتصادی عنوان می‌شود، تفاوت زیادی دارد.

در این گزارش، خط فقر برای تهران و کلان‌شهرهای بزرگ مشابه حدود ۱۴.۵ میلیون تومان به ازای هر خانوار تعیین و این رقم برای شهرستان‌ها و روستاها نصف این مقدار یعنی حدود ۷.۲ میلیون تومان محاسبه شد. فاصله نزدیک به دو برابری میان خط فقر در تهران با شهرستان‌ها و نقاط حاشیه‌ای البته با احتساب قیمت‌های تقریباً مشابه خوراک، پوشاک، حمل و نقل و بهداشت تا حد زیادی عجیب است، چه اینکه کارشناسان تنها دو مورد «مسکن» و «آموزش» را دارای هزینه متوسط متفاوت ارزیابی می‌کنند.

نادیده‌انگاری آمارها برای مزدی که امروز هم منطقه‌ای است

نمایندگان کارگری شورای عالی کار معتقدند که آمارها اگرچه وزارت کار و سازمان برنامه و بودجه در دولت‌های مختلف در آستانه مذاکرات تعیین دستمزد در باره خط فقر و معیشت و تفاوت بین آنها در نقاط شهری و روستایی امری ست که هر ساله برای جانداختن گفت‌وگوهای منطقه‌ای تکرار می‌شود. به زعم این عده، در شرایطی که حتی اگر بین سبب معیشت و خط فقر برخی استان‌های نسبتاً محروم با پایتخت چیزی حدود دو برابر فاصله باشد، ایجاد تبعیض در تعیین حداقل دستمزد سال آتی به آمار مهاجرت نیروی کار و تخلیه شهرستان‌ها و روستاها دامن می‌زند چرا که فاصله چند میلیونی حداقل مزد شهرستان‌ها، بزرگ در مقایسه با شهرستان‌ها، موجب مهاجرت گسترده نیروی کار و انواع آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی احتمالی پس از آن خواهد شد. در این میان هیچ ابزاری جز بازسازی برابر حداقل دستمزد این خطر را رفع نخواهد کرد.

همچنین به باور بسیاری از فعالان کارگری، هم‌اکنون نیز مسئله مزد در شهرهای مختلف به صورت غیررسمی «منطقه‌ای» است و نیروی کار با ابزار مختلف کارفرمایان، مجبور به کار در شهرستان‌ها با مزدهای باورنکردنی هستند؛ مسأله‌ای که خود آن نیز روی فقر عمومی حاکم بر جامعه موثر است.

«سمیرا.ر» که نیروی کار بخش خدماتی یک موسسه بزرگ آموزشی در شهر تبریز است، اکنون مدت‌هاست که شغل خود را از دست داده اما تمایلی به بازگشت به بازار کار ندارد. موسسه‌ای که وی قبلاً برای آن کار می‌کرد، ذیل عنوان «نیروی کار پاروقت» و «کار کمتر از ۸ ساعت»

از پرداخت حداقل دستمزد مصوب در سال ۱۴۰۱ به‌وی اجتناب کرده و به جای پرداخت مزد بالای ۵ میلیون تومان برای فعالیت مشاوره و سایر امور اداری تخصصی، تنها به میزان ۲ میلیون تومان به او و سایر کارمندان موسسه پرداخت کرده است. این همه در حالی است که حجم کاری وی و همکارانش تنها یک ساعت از ۸ ساعت کمتر بوده است. این کارگر بخش خدماتی عملاً باورده به فضای موسسه، بدون قرارداد اما با امضای انبوهی سفته به‌عنوان حق‌السکوت و ضمانت اجرایی برای عدم شکایت، نیروی کار خود را به صورت نیمه‌رایگان ارائه داده است.

دوست دیگر او نیز با مدرک کارشناسی ارشد رشته ژنتیک همین مسأله را دارد. «سنان» به دلیل آنکه متوسط دریافتی‌ها در شهر تبریز برای زنان و بسیاری از مشاغل دیگر در همین حدود است و با توجه به نرخ بالای بیکاری در شهرستان‌ها، مجبور شده به شغل منشی‌گری با دریافتی ۲.۵ میلیون تومانی تن دهد. او که ساعت کاری گاه بیش از ۸ ساعت هم دارد، عملاً به یک گروگان تا پایان موعد تعویض مطب یک دندان‌پزشک بدل شده و منتظر است تا در اولین فرصت بعد از بارها تعویض شغل، به تهران یا کرج مهاجرت کرده و به‌رغم دوری از خانواده در شرایطی باشد که بتواند کمک‌خرج خانواده باشد.

این شرایط البته محدود به فضای زانه بازار کار و شهرهای صنعتی‌تر کشور مانند تبریز، اصفهان و مشهد نیست. در چاپهار که جزو مناطق آزاد و میزبان ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز هست، به دلیل قوانین جاری در مورد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، شرایط این نیز بدتر است. یک کارخانه نسبتاً کوچک تولید محصولات صنایع غذایی با استفاده از عدم شمولیت قانون کار در این منطقه و روابطی که با مقامات و بازرسان دارد، توانسته شرایطی را ایجاد کند که «فادر» جوانی با چندین سال سابقه کار در سوله بخش بسته‌بندی این واحد تولیدی با مزد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی کار کند!

پرداخت این مزد برای این کارگر که در آستانه تشکیل خانواده با کمک هزینه محلی است، با این ادعای کارفرما توجیه می‌شود که «شرکت با ظرفیت ۵۰۰۰ نفر در این منطقه فعالیت دارد و کارگران تنها یک شیفت حدود ۶ ساعتی کار می‌کنند، ضمن اینکه این میزان حقوق برای استان محرومی مانند سیستان و بلوچستان دریافتی اندک محسوب نمی‌شود». قادر نیز می‌گوید ممکن است به دلیل مشکل مالی و عدم وجود درآمد کافی به شهری بزرگ‌تر برای کار مانند کرمان مهاجرت کند، رویداد تلخی که در کنار پدیده قاچاق و سوخت‌بری، باعث عدم توسعه مناطق محروم نیز شده است.

در چنین شرایطی که هنوز کارفرمایان حداقل روی کاغذ مجبور هستند تا قانون را در زمینه پرداخت حداقل دستمزد روزانه و ماهیانه رعایت کنند، مطرح شدن «خط فقر منطقه‌ای» و «سبب معیشت منطقه‌ای» عملاً رسمی و قانونی کردن پدیده‌ای است که هم‌اکنون نیز آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای برای بازار کار مناطق و نیروی کار ایجاد کرده است.

پنهان‌کاری در موضوع خط فقر با هدف افزایش ناچیز دستمزدها

مشکلات به زیر فرش جارو می‌شوند!

تغییر استانداردها به جای تحقق استانداردها

یکی از نهادهای مؤثر در تعیین سبب حداقل معیشت و خط فقر در کشور، نهادهای است که فقر غذایی، فقر بهداشتی و سایر انواع مرتبط با سلامت زیستی افراد را بررسی و استانداردها را گذاری می‌کند یعنی وزارت بهداشت و درمان. این نهاد و متخصصان تغذیه آن در حوزه محاسبات هزینه‌های درمانی و محاسبه میزان کالری حداقلی لازم و تعیین حداقل‌های مربوط به تامین ویتامین‌ها و انواع پروتئین‌ها برای حفظ سلامت بدن نیروی کار، هر ساله اطلاعات خود را در اختیار نهادهای تصمیم‌گیر اقتصادی قرار می‌دهند. در گذشته آمارهای مربوط به این حوزه در اختیار عموم قرار می‌گرفت اما از سال ۱۴۰۰ به این سو آمارهای مربوط به سوء تغذیه و نیز فقر غذایی و حداقل مبلغ لازم برای پوشش حداقل سبب مصرفی رفته‌رفته به مجموعه اطلاعات طبقه‌بندی شده بدل شده‌اند.

«سجاد شکری» فعال کارگری می‌گوید: در یک فضای غیر شفاف به راحتی می‌توان برخی استانداردها را در محاسبات تخصصی مانند میزان حداقلی دریافتی مواد غذایی را به نحوی تغییر داد که سبب حداقل معیشت و خط فقر جابه‌جا شود. البته بسیاری از شاخص‌ها در این زمینه جهانی است و می‌توان با استناد به آنها میالغ روز هزینه‌ها را در زمینه سبب غذایی لازم برای یک انسان شناسایی کرد.

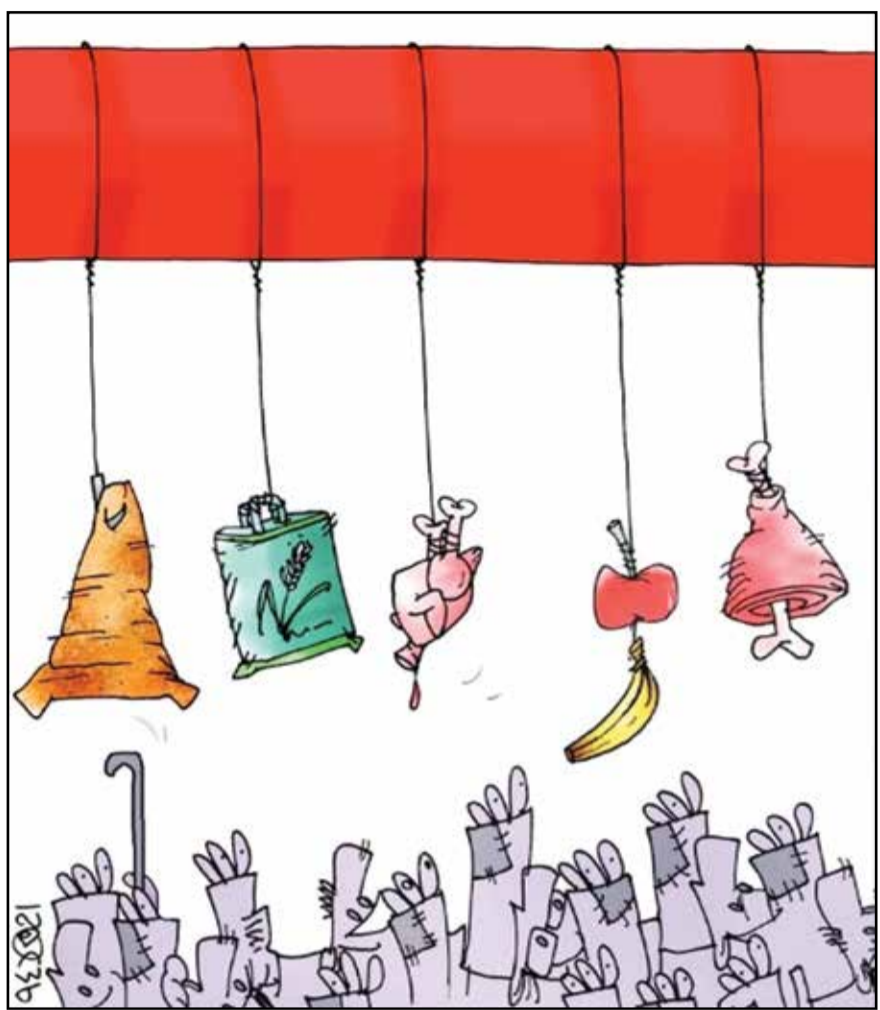
آثار زیان بار تحریف خط فقر و سبب معیشت

«حسن صادقی»، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری نیز به اشاره به مسائل مطرح شده در زمینه تعیین خط فقر، گفت: در ماه‌های گذشته برخی کارشناسان زبده و ادعاها، با عدم وجود این شفافیت مواجیم. افزایش جمعیت زیر خط فقر مسأله پنهانی نیست و خود جامعه آن را حس می‌کند. تداوم روند افزایشی آمارهای سال‌های پیش، خود گویای همه چیز است. در زمان دولت اصلاحات و ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی جمعیت زیر خط فقر زیر ۱۵ درصد بود که در دولت احمدی‌نژاد به ۲۰ درصد جمعیت کشور رسید و در دولت حسن روحانی به ۳۰ درصد برآورد ما با توجه به سیر آمارهای گذشته و وضعیت فعلی این است که این آمار اکنون حدود ۳۵ درصد است و به این ترتیب بیش از یک سوم جامعه ایرانی زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

صادقی افزود: خط فقر مطلق برای کسانی است که حتی بیش از حد مجاز کار می‌کنند تا فقیر نباشند اما همچنان در تله فقر قرار دارند. از درون خط فقر مطلق پدیده‌هایی مانند سوء تغذیه و سایر مشکلات و ناهنجاری‌های حاد اقتصادی قابل شناسایی خواهد بود. بحران‌های تورمی نقش زیادی در افزایش جمعیت فقیر مطلق کشور دارد. کارمندان و کارگران و بیسکاران و کلیه حقوق‌بگیرانی که درآمد نسبتاً ثابت دارند، بیشترین جمعیت تشکیل‌دهنده افراد زیر خط فقر را تشکیل می‌دهند و این مسائل برای بسیاری روشن است.



صادقی: کارمندان و کارگران و بیسکاران و کلیه حقوق‌بگیرانی که درآمد نسبتاً ثابت دارند، بیشترین جمعیت تشکیل‌دهنده افراد زیر خط فقر را تشکیل می‌دهند و این مسائل برای بسیاری روشن است



وی با طرح این مسأله که «برخی روزانه ۱۶ ساعت به صورت دو یا سه‌شیفته کار می‌کنند اما باز هم از تله خط فقر گریزی ندارند»، تصریح کرد: طبق محاسبات اقتصاددانان تنها از زمان روی کار آمدن دولت فعلی، خط فقر چیزی بیش از ۷ تا ۱۰ درصد نسبت به دوران دولت قبلی رشد داشته است. به این ترتیب ترس از انتشار آمارهای مربوط به خط فقر قابل پیش‌بینی است. عدم ارتباط مسئولان با واقعیات باعث خودشیفتگی مصنوعی می‌شود که در مدیریت بسیار مخرب بوده و آثار خود را ناگهان در قالب بحران‌های اجتماعی می‌گذارد. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه یکی از ملاک‌های تعیین خط فقر، سبب حداقل معیشت است، گفت: اینکه یک عده درباره محاسبات مختلف تردید می‌آورند ولی حاضر نیستند یک سبب معیشتی یا یک فرمول خط فقر محاسبه کنند، دردی از کشور دوا نخواهد کرد و حتی به کارفرمایان و افزایش تمایل آنها به تولید نیز تأثیر مثبتی نمی‌گذارد.

صادقی با بیان اینکه خط فقر مطلق هر چند با محاسبات موجود کوچکتر محاسبه شود، باز هم بالای ۱۰ میلیون تومان در همه شهرها و شهرستان‌ها خواهد بود، گفت: مسئولانی که حامی سرکوب مزد و مخالف شفافیت آمارها و محاسبات هستند و می‌خواهند مشکلات را با جارو به زیر فرش ببرند، باید در نظر داشته باشند که حداقل مزد ۶ میلیون تومانی فعلی قطعاً باید بالاتر از این رقم ۱۰ میلیون تومان باشد در غیر این صورت دولت به صورت دستوری فرمان فرو رفتن همه مزدبگیران را به زیر خط فقر مطلق خواهد داد.

وی با بیان اینکه ۵۷ درصد جامعه مزدبگیر کشور حداقل بگیر هستند که هم‌اکنون بین ۵ میلیون و نیم تا هفت میلیون تومان دریافتی دارند، اظهار کرد: نمایندگان کارگری

وی با طرح این مسأله که «برخی روزانه ۱۶ ساعت به صورت دو یا سه‌شیفته کار می‌کنند اما باز هم از تله خط فقر گریزی ندارند»، تصریح کرد: طبق محاسبات اقتصاددانان تنها از زمان روی کار آمدن دولت فعلی، خط فقر چیزی بیش از ۷ تا ۱۰ درصد نسبت به دوران دولت قبلی رشد داشته است. به این ترتیب ترس از انتشار آمارهای مربوط به خط فقر قابل پیش‌بینی است. عدم ارتباط مسئولان با واقعیات باعث خودشیفتگی مصنوعی می‌شود که در مدیریت بسیار مخرب بوده و آثار خود را ناگهان در قالب بحران‌های اجتماعی می‌گذارد. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه یکی از ملاک‌های تعیین خط فقر، سبب حداقل معیشت است، گفت: اینکه یک عده درباره محاسبات مختلف تردید می‌آورند ولی حاضر نیستند یک سبب معیشتی یا یک فرمول خط فقر محاسبه کنند، دردی از کشور دوا نخواهد کرد و حتی به کارفرمایان و افزایش تمایل آنها به تولید نیز تأثیر مثبتی نمی‌گذارد.

صادقی در پایان تصریح کرد: ما در میان حدود دویست کشوری که در جهان داریم، از نظر نسبت مزد و هزینه‌ها رتبه ۱۸۳ را داریم. ما این شرایط را محصول تداوم امکانات زیرساختی، راست‌گرایانه و محافظه‌کارانه‌ای می‌دانیم که سال‌ها در نقاطی مانند سازمان برنامه و بودجه کشور لانه کرده و امروز مدیریت آن در جهت خلاف شعارهای برابری عمل می‌کند.

محلی، برای مدتی قرارداد کار را امضا نکرده و خواستار ادامه کار دو شرکت پیمانکار قبلی شده بودند. بعد از گذشت مدتی از این اعتراض، سرانجام با وعده ادامه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، نیروهای مخابرات مجبور به امضای قرارداد کار شدند. در این بین دو نفر از نمایندگان کارگری نتوانستند به کار برگردند و همچنان بعد از ۲۰ سال کار بلا تکلیف هستند.

بلا تکلیفی شغلی دو نفر از نیروهای مخابرات اصفهان

به مطالباتشان بیکار شده‌اند، همچنان بلا تکلیف هستند. طبق این گزارش، نیروهای مخابرات اصفهان بیشتر در اعتراض به روی کار آمدن پیمانکاران

دو نفر از نیروهای پیمانکاری مخابرات اصفهان بعد از ۲۰ سال سابقه کار بیکار شدند. به گزارش ایلنا، این دو نفر که به دلیل نمایندگی کارگران برای رسیدن